

در گفت‌وگوی قدس با عضو هیئت علمی گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم بررسی شد

# عوامل زمینه‌ساز نهضت بزرگ عاشورا

۲

درب‌نامه‌سه‌شنبه‌های علمی وفرهنگی آستان قدس رضوی انجام شد

## رونمایی از نسخه ۴۰۰ ساله «لهوف»

نام «لهوف» را بی‌شک تا امروز بارها شنیده‌اید. مقتل‌نگاری معروفی که توسط سید بن طاووس در بیان مصائب واقعه کربلا و شهادت امام حسین(ع) نوشته شده است. ابن طاووس نخستین کسی است که قیام امام حسین(ع) را بر اساس شهادت عرفانی تبیین کرده است. چون کتاب را برای مسافران عتبات و زائران امام حسین(ع) نوشته، تلاش کرده تا اثرش مختصر و مفید باشد و به خاطر همین سلسله اسناد روایات را حذف کرده و ...

آستان قدس رضوی





ویژه‌فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه‌نامه ۳۹۹ |

تکته‌ها/امام موسی صدر

چرا برای امام حسین (علیه‌السلام) گریه می‌کنم؟

با عاشوراایان - عابس بن ابی شیب شاکری

قدم به قدم تا سعادت ابدی

تازه‌های نشر

داستان مصور خُر در کربلا منتشر شد

چهارشنبه‌های امام‌رضایی

زیارت، فرصت بهره‌گیری از بهترین الگو

منبرمجازی

ارتباط امام حسین (علیه‌السلام) و امام زمان (علیه‌السلام)



**حجت‌الاسلام عالی |** اگر کسی با معارف دینی به خصوص روایت‌های اهل بیت(ع) آشنا باشد، يك ارتباط عجیب بین امام حسین(ع) و وجود مقدس حضرت ولی‌عصر(عج) می‌بیند. امام حسین(ع) يك خصوصیتی در بین ائمه(ع) دارد که این ویژگی در بقیه ائمه(ع) نیست... من تقاضا می‌کنم دوستان بزرگواری که اهل مطالعه هستند، کتابی به نام «البکاء للحسین» اثر آیت‌الله علامه میرجهانی را بخوانند... ببینند بحث گریه و اشک بر امام حسین(ع) چیست... این جمله که امام حسین(ع) کشته اشک است را بفهمند... این اشک بر امام حسین(ع) صرفاً اشکی است که يك انفعال درونی و رقت‌قلب برای کسی که از دنیا رفته نیست. این اشک یک تنفر و اعتراض به ظلم است... آن کسی که گریه می‌کند، از درون آنچنان دچار هیجان است که از کسانی که این کار را کردند، بدش می‌آید. از دستگاه باطل بدش می‌آید... از آن طرف با این گریه دارد اعلام می‌کند که من با تو هستم و من به خاطر تو دارم اشک می‌ریزم. من طرفدار تو هستم. یعنی خود این اشک يك تولی و تبری عملی است. يك اعلان جبهه است که من در جبهه حسین هستم... نتیجه‌اش هم نشاط است... روز عاشورا امام باقر(ع) فرمود: اگر می‌خواهید به همدیگر تسلیت بگویید، این‌طور تسلیت بگویید که «ما را در خون‌خواهی امام حسین(ع) قرار بده که با امام زمان(عج) باشیم». اینها اشاراتی است که از دستگاه امام حسین(ع) یا خود اباعبدالله الحسین(ع) به امام زمان(عج) می‌شود. از آن طرف وقتی امام زمان(عج) تشریف می‌آورد، نخستین جمله‌ای که می‌گوید، وقتی پشت به کعبه می‌کند، در خانه خدا خودش را معرفی می‌کند: «انا بقية الله» من فرزند کسی هستم که او را عطاشان کشتند، او را عریان انداختند و رها کردند. شعار باران امام زمان(عج) «یا لثارات الحسین» است. خونخواه امام حسین! ظهور امام زمان(عج) با معجزه رخ نمی‌دهد. یعنی با يك جبر بیرونی مردم خوب نمی‌شوند. این‌طور نیست که مثلاً مردم يك روز بلند شوند ببینند همه خوب شدند و يك معجزه رخ داده است. در خود ما باید يك اتفاقی بیفتد... يك تحولی رخ بدهد... دور درون عقلاها، قلب‌ها، دل‌ها و روح‌ها باید رشد کنند... يك عدالت‌خواهی و يك معنویت‌خواهی... چگونه این رشد و اصلاح در مردم ایجاد می‌شود و این تحول درونی در آن‌ها به وجود می‌آید؟ اباعبدالله(ع) این کار را بر عهده دارد. عاشورای امام حسین(ع) دستگاهی است که در دین تعبیه شده، که این عاشورا قرار است این رشد و اصلاح را ایجاد کند... این گریه‌ای که یواش یواش وجدان‌ها را بیدار می‌کند... مردم را حق‌طلب می‌کند... .

## عزاداری کفن‌پوشان هیئت استان گلستان در حسینه حرم بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا

اشک می‌ریزند و سوگواری می‌کنند که انگار داغدار یک مصیبت تازه و بزرگ برای عزیزترین فرد زندگیشان هستند.

#### ■ برات کربلا هدیه امام

مداح‌ها که تمام می‌شود مردم برای زیارت و فاتحه بر گرد پیکر شهید حلقه می‌زنند و گروه‌گروه جایشان را برای فاتحه‌خوانی عوض می‌کنند. در همین حال و هوا، صدای «السلام علیک یا اباعبدالله» خبر از شروع مراسم قرائت زیارت عاشورا می‌دهد و فراز به فراز زیارت‌نامه با همراهی عزاداران خوانده می‌شود. روضه‌خوان مراسم به پایان دعا که می‌رسد پیش از سلام پایانی زیارت، می‌خواند: «خوبه آدم غریب باشه... به غریبی خو بگیره... برات کربلاشو... از ضامن آهو بگیره...».



**مناح همزمان می‌خواند: «بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا... بردلم ترسم که ماند آر زوی کربلا...». همراه با نوای مناج، به محض ورود پیکر مطهر همه به حرمت شهید تازه‌از سفر رسیده می‌ایستند، تابوت شهید روی دست‌هایشان می‌چرخد و هر که سعی می‌کند از حضور شهید، تبرکی بگیرد.**

**■ نشانه نجابت** سخنران مراسم، حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین ذاکر پس از پایان زیارت عاشورا درباره محبت اهل‌البیت(ع) سخنرانی می‌کند و می‌گوید: روایت است که روزی حضرت علی(ع) در محضر پیامبر اکرم(ص) بودند. پیامبر به حضرت فرمود: «خداوند قلوب نجیبان امت من را مشتاق زیارت تو و فرزندان تو کرده است»؛ و آدم نجیب کسی است که وجود پاک دارد و انسان با وجود پاک مشتاق ائمه می‌شود، برای همین است که تا اسم کربلا، نجف یا مشهد برای اهلس می‌آید، اشک اشتیاق زیارت در وجودشان دیده می‌شود.

تا ساعت ۱۲ شب و پایان مراسم حسینه حرم در شب چهارم محرم چیزی نمانده است. جمع مشتاقان در جوار امام مهربانی‌ها نشست‌اند و با اشک چشم برای عزای حسین(ع) بی‌قراری می‌کنند. انگار کسی دوست ندارد این شب‌ها به ویژه شب عاشورایی که در پیش است به روز برسد، به همین خاطر است که با همه وجود نجوا می‌کنند: مکن ای صبح طلوع... .

«یا ثارالله» در گوشه گوشه آسمان صحن به پرواز درمی‌آیند. ۳۰۰مرد گلستانی در دو حلقه سفیدپوشان و سبزپوشان گرد هم ایستاده‌اند تا مراسم تاریخی و ثبت شده آیین عزاداری و سینه‌زنی «کمر به کمر» مربوط به شهر «رامیان» را در حسینه حرم مطهر رضوی در صحن قدس آغاز کنند. نوحه‌خوان این آیین را با زبان آذری شروع می‌کند و مردانی که دستشان را دور کمر یکدیگر انداخته‌اند و زنجیره‌ای زیبا تشکیل داده‌اند، سینه می‌زنند و با گام‌هایی آرام شروع به چرخیدن بر گرد پیکر شهید می‌کنند.

مداح با یاد کردن از تنهایی حضرت زینب(س) در صحرای کربلا برای همه، توفیق زیارت کربلا را طلب می‌کند. صدای سینه‌زنی یکدست همزمان با پاهای برهنه‌ای که بر زمین کوبیده می‌شود همراه

#### طاهره فجر داودلی |

چهارمین شب محرم، نوبت گلستانی‌ها بود که در صحن قدس حرم مطهر رضوی، بساط عزاداریشان رضاع) به سوگواری بنشینند؛ به همان سبک و آیینی که سال‌هاست در تکیه‌ها و هیئت‌های خود عزاداری می‌کنند. «حسینه حرم» که در شب‌های محرم و صفر در صحن قدس حرم مطهر رضوی برپا می‌شود، محفلی است برای حضور هیئت‌های مذهبی نقاط مختلف کشور که دوست دارند ساعتی در کنار مضجع شریف حضرت رضا(ع) به سوگواری در غم شهدای کربلا بپردازند و به رسم و آیین خود عزاداری کنند.

علاوه بر هیئت‌های مذهبی شاخص مشهد، برخی هیئت‌ها از نقاط مختلف کشور نیز امسال میهمان حرم و در واقع میزبان برنامه «حسینه حرم» در صحن قدس می‌شوند و چهارمین شب ماه محرم، نوبت گلستانی‌ها بود که سوگواره خود را در حرم رضوی برپا کنند و ما نیز میهمان این بزم عاشورایی آن‌ها شدیم.

#### ■ بفرمایید روضه

لَختی تا ساعت ۱۰شب باقی مانده که صدای نوحه در صحن قدس حرم مطهر امام هشتم(ع) می‌پیچد. خادمی ایستاده با چوب‌پر، زن و مرد را به روضه اباعبدالله الحسین(ع) دعوت می‌کند. مردی که دختر کوچکش با سربند «یا رقیه(س)» در آغوشش آرام گرفته، وارد صحن قدس می‌شود و در گوشه‌ای همراه همسرش منتظر شروع مراسم می‌نشینند.

مردانی با کفن سبز و سفید از استان گلستان گرد بر سکوی میانی صحن قدس در دو ردیف نشسته‌اند و از شهید مدافع حرم تازه تفحص شده مازندرانی که امشب به جمعشان می‌رسد، برای هم نقل می‌کنند. یکی از ۶سال دوری شهید ۵۳ساله می‌گوید و دیگری از وصیت‌نامه محرمی او یاد می‌کند.

مراسم با ذکر صلواتی جان می‌گیرد و قاری آیاتی از کلام‌الله مجید، مناسب با حال و هوای مجلس را می‌خواند. پیکر شهید «رحیم کابلی» پس از چند سال دوری و غربت برای دفاع از حرم حضرت زینب(س)، خواهر سیدالشهدا(ع) در جوار حرم مطهر ثامن‌الحجج(ع) روی دوش چهار خادم برای حضور در جمع مردم همولایتی‌اش از خطه شمال کشور، وارد صحن می‌شود. مداح همزمان می‌خواند: «بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا... بردلم ترسم که ماند آر زوی کربلا...». همراه با نوای مداح، به محض ورود پیکر مطهر همه به حرمت شهید تازه از سفر رسیده می‌ایستند، تابوت شهید روی دست‌هایشان می‌چرخد و هر که سعی می‌کند از حضور شهید، تبرکی بگیرد.

#### ■ عزاداری آیینی با کفن‌پوشان صف کشیده

تابوت شهید روی سکوی مراسم قرار می‌گیرد. پرچم‌های بزرگ سیاه، سبز و قرمز رنگ مزین به

**رقیه توسلی |** پنج سالی می‌شود که آمده خیابان و هیئت ما. قربان خودش و عصایش بروم. هشتاد را رد کرده، حاج خانم خوشروی مهربانی که خادم‌الحسین است و امکان ندارد عصازنان هر شب نیاید و چای دهه محرم را

مبسوط دم نکند. مبسوط از آن جهت که چوب دارچین و گل سرخ و هل می‌اندازد توی قوری و حوصله می‌کند رنگ بگیرد. مبسوط از آن جهت که هر استکان چایی که می‌ریزد سلام می‌دهد به آقا. از آن جهت که زیاد می‌گوید «یا من اسمُحُحْ و زیارتُحُحْ و ذکرُحُحْ». از آن جهت که از او یاد گرفتیم باید سجده شکر به جا بیاوریم برای حضور در مجلس امام حسین(ع). دیروز می‌گفت تصدق اشک همه عزاداران. می‌گفت باید تاریخ کربلا را بخوانیم ببینیم محبیم، غریبیم، پیرویم، غایبیم، مریدیم، چی هستیم؟

می‌رسم حسینیّه. طبق معمول حاج‌خانم کنار ضریح شهدای گمنام نشسته و با تسبیح مشغول ذکر است. نگاهش می‌کنم. شبیه مادری رفتار می‌کند که رفته سر مزار فرزندش. این‌طور که حتماً بعد دعا و فاتحه شروع می‌کند به حرف زدن. نمی‌دانم چه می‌گوید. یکی دو باری فقط گذری جملاتی شنیدم که شبیه قربان صدقه بود.

شب پنجم است. غریبی خاصی منتشر شده توی فضا. مخصوصاً وقتی پسرپچه‌ها و دخترک‌های سیاهپوش رژه می‌روند توی حسینیّه. زیارت عاشورا که شروع می‌شود بلافاصله چای هم می‌رسد. چای خوش عطر هر شب. معلوم است که حاج‌خانم سلام و صلواتش را پیش‌پیش فرستاده. جرعه جرعه می‌نوشم و می‌شنوم کسی دعای عجیبی می‌کند از پشت سرم. می‌گوید: پروردگارا! خیر این مادر نازنین را قبول بفرما و از چشم انتظاری درش بیاور... . متعجبانه برمی‌گردم سمت صدا. چیزی را باید ببرسم که نمی‌دانم. باید سر دربیارم چه خبر است. خدای نکرده پنج سال است با این حاج‌خانم مهربان حشرونشر داریم. باید جواب سؤالم را بگیرم. می‌گیرم و حالم می‌شود عین هیئتی که برق‌هایش را خاموش کرده‌اند. غمبار. شانه‌هایم سنگین می‌شود. آنچه را که می‌شنوم هضم نمی‌کنم. یعنی چه که نمی‌دانستم حاج‌خانم، مادر دو شهید است. که یکیشان جاویدالاثَر است و هنوز برنگشته. که او سی و چند سال می‌شود چشم به راه است.

**سنجاق:** می‌روم پیش حاج‌خانم. دارد چای می‌ریزد و سلام می‌دهد. هیئت پر شده از عطر گلاب و عشق... .